

# فاطمه (س)

## تجلی تمام زنان مقدس قرآنی

(بر اساس آیه مباحله)

محمد جواد سلیمانپور

استادیار دانشگاه شیراز

### مقدمه

بی تردید یکی از آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده، آیه مباحله است. آیه شریفه در جریان یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام که به مباحله معروف است نازل شده است. گروهی از نصاری از نجران برای مناظره درباره اسلام و ادعای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نزد ایشان آمدند. سرانجام کار برای اثبات حقانیت یکی از دو طرف به آنجا انجامید که هر دو گروه در برابر خداوند دعا کنند تا لعنت و عذاب خدا بر

دروغگویان و منحرفان از حق نازل شود. وقت خاصی معین شد. در روز موعود مردم جمع شدند، در حالی که هنوز بر مسیحیان نجران معلوم نبود که پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی را برای مراسم دعا و مباحله حاضر می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش آمد در حالی که علی، حسن، حسین و فاطمه زهرا علیهم السلام را با خود می آورد. بدین سان پیامبر صحنه پر شکوهی آفریده بود. مسیحیان نجران چون حالت پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام را دیدند لرزه بر اندامشان افتاد و به رایزنی با پیشوای خود، اسقف ابا حارثه پرداختند. بزرگ آنان گفت:

«من چهره هایی را مشاهده می کنم که اگر لب به دعا و نفرین بکشایند و بخواهند کوهی را از زمین برکنند آن کوه را متلاشی کرده، برمی دارند. سوگند به مسیح که اگر آنان لب به نفرین ما بکشایند برای ما خانواده و مال و منالی باقی نخواهد ماند.»

پس آنان را از مباحله باز داشت. لذا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شتافتند و گفتند: «ای ابوالقاسم! از ما بگذر، خداوند از تو بگذرد». سپس شرایط پیامبر را پذیرفتند و به نجران باز گشتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام داشت: اگر آنان برای

مباهله پیش می آمدند مسیحیان نابود می شدند<sup>۱</sup>.  
 ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ  
 فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَآبَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ  
 وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ...﴾<sup>۲</sup>

پس هر کس که با تو درباره عیسی بعد از آنکه با تعالیم وحی بر احوال او آگاهی یافتی، به مجادله برخیزد [و سخنان و ادعای تو را نپذیرد] بگو پیش آید تا ما با فرزندانمان و شما با فرزندانان، زنانمان و زنانان و نفسهایمان با نفسهایتان در پیشگاه خداوند دعا و نفرین نموده تا لعنت و عذاب خدا را بر دروغگویان و حق‌گریزان قرار دهیم.

دانشمندان اهل سنت در مصادر متعدد روایی و تفسیری اذعان کرده‌اند که مراد از «ابنائنا» (فرزندان ما [پیامبر]) حسن و حسین علیهما السلام، «انفسنا» (نفس‌های ما [پیامبر]) علی علیه السلام و «نسانا» (زنان ما) فاطمه زهرا علیها السلام است<sup>۳</sup>. این آیه بعد از آنکه برهانهای منطقی و قیاسهای عقلی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای گروه مسیحیان نجران سودی نبخشید و همچنان به مکابره و انکار خود ادامه دادند نازل شد، و به پیامبر فرمان داد به برهان مشاهده که بالاترین براهین است رو آورد. برهان مشاهده در حقیقت استمداد از قدرت مطلق و لایزال الهی برای ذلیل و منکوب کردن طرف باطل با نزول عذاب بر آنان و اعزاز و سرفرازی طرف حق به طور عینی و قابل

مشاهده است. ارزش این برهان هرگز قابل مقایسه با برهانهای نظری نیست؛ چرا که برهان مباهله حس، عقل و دل هر سه را با هم به کار می‌گیرد و توسط هر سه منبع، ادراک جان آدمی تصدیق می‌شود. برهان مباهله قبل از اثبات ادعای حق و ابطال پندار باطل، جلالت، عظمت، رفعت، روحانیت و کمال تقرب طرف

۱ - بنگرید به: نور الابصار، ص ۲۲۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ علی امام‌المتقین، ج ۱، ص ۲۳.

۲ - آل عمران / ۶۱.

۳ - بنگرید به: فخر رازی، تفسیر الکبیر معروف به مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۸۵ جالب اینکه فخر رازی بعد از ذکر حدیثی از عایشه می‌گوید: این روایت [که آیه درباره اهل‌البیت، علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام است] مورد اتفاق اهل تفسیر و حدیث است. همچنین بیضاوی در تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۲، ص ۴۷؛ زمخشری در تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۳۶۸؛ حقی در روح البیان، ج ۲، ص ۴۴؛ سیوطی در تفسیر جلالین؛ نهاوندی در تفسیر نفعات الرحمن؛ واحدی در اسباب النزول؛ ابن حجر در الصواعق المحرقة؛ دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ ترمذی در صحیح، ج ۵، ص ۲۲۵؛ بیهقی در سنن، ج ۷، ص ۶۳؛ مسلم در صحیح، ج ۴، ص ۱۸۷۱؛ احمد حنبل در مسند، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بغوی در مصابیح السنه، ج ۴، ص ۱۸۳ و ذهبی در سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۸۶. همگی روایت را نقل کرده و اعتراف نموده‌اند که آیه در شأن علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام است.

حق را که پیروز میدان مباحله‌اند ثابت می‌کند. برهان مشاهده مباحله در حقیقت خدا را در طرف حق و شیطان را در طرف باطل متجلی می‌سازد و اثبات می‌کند این تجلی خاص زمان مباحله نیست، بلکه امری دائم و ابدی است.

بنابراین پیام آیه مباحله چیزی بالاتر و وسیع‌تر از اقصای اهل نجران و اثبات حقانیت دعوی پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. آیه علاوه بر این پیام، مسیر استمرار پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله را اعلام و ترسیم می‌نماید. در واقع اگر هیچ آیه دیگری برای نشان دادن عظمت و رفعت مکان اهل بیت [علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام] و مسیر و طریق استمرار دین خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله جز همین آیه نبود برای اهل بصیرت کفایت می‌کرد. تعبیر «نسائنا» از حضرت فاطمه و «انفسنا» از علی علیه السلام در حالی که یک زن و یک مرد بیشتر نبودند و تعبیر «ابنائنا» از حسن و حسین علیهم السلام در حالی که دو فرزند بیشتر نبودند فقط ناشی از رعایت اصول و مبانی زیبایی لفظی نیست. چنان که از جنبه‌های عاطفی و خانوادگی سرچشمه نمی‌گیرد، چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله در امر رسالت هرگز گرفتار عواطف خانوادگی نبود، لذا بعد از بعثت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله غریبه‌هایی چون سلمان خویشاوند و نزدیکانی چون ابولهب غریبه شدند. هم انتخاب آنان به عنوان طرف پیامبر در مباحله به امر پروردگار بود و هم تعبیر

یاد شده درباره آنان از سوی خداوند متعال بود؛ زیرا این تعبیر در وحی الهی قرآن قرار دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اعلام داشت:

«اگر خداوند در روی زمین بندگانی گرامی‌تر از علی، فاطمه، حسن و حسین سراغ داشت که من با آنان مباحله کنم، هر آینه با آنان به صحنه مباحله می‌آمدم، اما خداوند مرا امر کرده که همراه اینان مباحله نمایم»<sup>۱</sup>.

### تعبیر نسائنا از فاطمه علیها السلام

در آیه مورد بحث، خداوند از فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان «نسائنا» (زنان ما) یاد کرده است. درباره علت اینکه از فاطمه علیها السلام که یک زن بیشتر نبود با صیغه جمع نساء (زنان) یاد شده، روایات متعددی وجود دارد و مفسران سخنان فراوانی گفته‌اند. این تعبیر شگفت خداوند از فاطمه که با زبان پیامبر صلی الله علیه و آله «زنان ما» صورت گرفته حاوی یک پیام بزرگ درباره شأن آن بانو برای بشر و تمام خداپاواران است. آن پیام این است که فاطمه زهرا علیها السلام سمبل و مظهر ویژگیهای تمام زنان مقدس از گذشته و هم عصر او و آینده است. فاطمه علیها السلام اگر چه یک زن است، اما در واقع، دارنده ویژگیهای تمام زنان نیک عالم است. دلیل این مطلب این است که:

۱ - المباحله، ص ۶۶.

## سرّ کاربرد واژه جمع درباره فرد در قرآن

۱- خداوند گاهی از یک شخص با واژه جمع یاد می‌کند و عمل یا شخصیت آن فرد را به تعداد زیادی نسبت می‌دهد، چنان‌که گاه عملی را که گروهی در گذشته انجام داده‌اند و قرن‌ها از آن گذشته است به گروهی در زمان حاضر نسبت می‌دهد؛ مثلاً در آیه ۱۸۱ سوره آل عمران یک نفر یهودی به نام فُحاص از روی توهین گفت: خدا فقیر است، اما آیه این گفتار یا اعتقاد را به جمع نسبت می‌دهد و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ﴾.

این سبک بیان این پیام را می‌دهد که آن فرد در واقع زبان تمام کسانی است که در گذشته، حال و آینده این سخن را بر زبان جاری کرده و بر این باورند، یا با این سخن راضی و موافق بوده، آن را تأیید می‌کنند. آن فرد اگر چه یک نفر است، اما مظهر و ترجمان تمام کوتاه‌اندیشان خداشناس می‌باشد.

در ادامه همین آیه آمده است:

﴿وَقَتَلَهُمُ الْآلِیَاءُ بَغِیْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْخَرْیْقِ﴾<sup>۱</sup>.

فرد گوینده در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ زندگی می‌کرده، اما قتل پیامبران گذشته را با صیغه جمع به آنان نسبت می‌دهد، در حالی که در زمان انبیای پیشین هرگز حضور نداشتند، و این نیست مگر اینکه قرآن می‌خواهد بگوید

چنین کسانی دارای شخصیت همان قاتلان مستقیم انبیاء و مظهر ویژگیهای همان انسانهای گذشته در این زمان هستند و به فعل آنان راضی‌اند.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ اِلَیْنَا الْاَتُّومِیْنَ لِرَسُوْلِ حَتّٰی یَاْتِنَا بِقُرْبٰنٍ تَاْكُلُهٗ الْاَنۡاَرُ قُلْ قَدْ جَآءَكُمۡ رَسُوْلٌ مِّنۡ قَبْلِیۡ بِالْبَیِّنٰتِ وَبِالذِّیۡ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوْهُمۡ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِیۡنَ﴾<sup>۲</sup>.

آیه می‌فرماید: این معجزه‌ای که شما برای ایمان آوردن درخواست می‌کنید، پیامبران گذشته آورده‌اند. پس اگر شما راست می‌گویید چرا آن پیامبران را کشتید؟ این سخن در حالی است که هرگز دست این انسانها آلوده به خون آن پیامبران نبوده است، اما قرآن می‌فرماید: ﴿فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ﴾؛ یعنی عمل کشتن گذشته را به آنان که در چندین قرن بعد زندگی می‌کنند نسبت می‌دهد. این نسبت در صورتی صحیح است که بپذیریم شخصیت و روح انسانهای قبلی در اینها متجلی شده و گویا دقیقاً همان انسانهای پیشین هستند که مرتکب قتل شده‌اند و به فعل آنان راضی هستند.

در آیه ۹۱ سوره بقره نیز همین سبک به کار رفته است:

۱- آل عمران / ۱۸۱.

۲- آل عمران / ۱۸۳.

﴿قُلْ فَلِمَ قَتَلْتُمُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

اساساً رضایت باطنی به فعل دیگری حاکی از مشابَهت و مسانَخت روحی با دیگری است، و گویا یک روح در دو قالب با زمان و مکان متفاوت است.

این سبک بیانی در قرآن دربارهٔ انسانهای صالح و نیکوکار هم آمده است؛ مثلاً از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام تعبیر به ملت شده است:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا﴾<sup>۱</sup>

بنا به تحلیل سابق، پیام آیه ظاهراً این خواهد بود که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام مظهر و تجلیگاه ویژگیهای تمام انسانهایی است که قبل و بعد از آن حضرت، بر اطاعت و عبادت خداوند پایدار و ثابت قدم بوده یا هستند، گویا روح تمام انسانهای توحیدی یکی است و بالاترین مرتبهٔ آن در ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام متجلی شده است.

### سرّ کاربرد واژهٔ جمع دربارهٔ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام

آنچه گذشت، روشن می‌سازد اگر قرآن تعبیر «زنان ما» را دربارهٔ فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به کار می‌برد، می‌خواهد این پیام را بدهد که آن حضرت مظهر و اسوهٔ تمام زنان حنیف، پاک و منسوب به پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و گویا تمام زنان مقدس قبل و بعد از حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام یک روح بوده و کمال و تمام تجلی و ظهور آن

در فاطمه زهرا است.

اما آن زنان چه کسانی هستند؟ بی‌تردید زنانی که قرآن به خاطر تقدس و ویژگی الهی از آنان یاد می‌کند، همه از تبار پاکیها، حنیف، و از منسوبان حقیقی گوهر انسانیت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند.

### زنان مقدس قرآنی

قرآن بجز فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به صراحت یا به کنایه، از دوازده زن پاک نام می‌برد:

- ۱- حوا<sup>۲</sup>، ۲- آسیه همسر فرعون<sup>۳</sup>، ۳- سارا همسر ابراهیم<sup>۴</sup>، ۴- هاجر همسر ابراهیم<sup>۵</sup>، ۵- یوکابد مادر موسی<sup>۶</sup>، ۶- صفورا همسر موسی و دختر شعیب<sup>۷</sup>، ۷- الیزابت یا یصابات همسر زکریا<sup>۸</sup>، ۸- حنّه همسر عمران<sup>۹</sup>، ۹- همسر ایوب<sup>۱۰</sup>، ۱۰- بلقیس<sup>۱۱</sup>، ۱۱- مریم عَلَيْهَا السَّلَام<sup>۱۲</sup>

۱- نحل / ۱۲۰.

۲- بقره / ۳۵ و ۳۶، اعراف / ۱۹-۲۵ و طه / ۱۱۷ و ۱۲۱-۱۲۳.

۳- تحریم / ۱۱ و قصص / ۹.

۴- هود / ۷۱ و ذاریات / ۲۹.

۵- ابراهیم / ۳۵-۴۰.

۶- طه / ۳۸ و ۴۰ و قصص / ۷ و ۱۰-۱۳.

۷- قصص / ۲۳-۲۷.

۸- انبیاء / ۹۰، آل عمران / ۴۰ و مریم / ۵ و ۸.

۹- آل عمران / ۳۵ و مریم / ۲۸.

۱۰- انبیاء / ۸۴.

قرآن برای هر یک از این زنان صفت یا صفات بارزی را به عنوان شاخصه ذکر می‌نماید که به ترتیب یاد شده به آن صفات اشاره می‌شود:

۱- حوا همسر حضرت آدم از تائبات بود:

﴿قَالَ رَبِّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا...﴾

... پروردگارا! ما به خود ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشایی و بر ما ترحم نمایی هر آینه از زیانکاران خواهیم بود.<sup>۱۴</sup>

۲- آسیه همسر فرعون از مؤمنات و مشتاقان

خدا بود:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا...﴾<sup>۱۵</sup>

خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند (آسیه) زن فرعون را مثال می‌زند... آن‌گاه که [در مقابل تهدیدات فرعون] گفت: پروردگارا خانه‌ای در نزد خودت (بهشت)، برای من بنا نما....

۳- سارا همسر ابراهیم از قائنات و خدمتگزاران پیامبر بود:

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَانِمَةٌ...﴾؛ و همسر او به خدمتگزاری به پا بود...<sup>۱۶</sup>

۴- هاجر همسر ابراهیم از سائحات بود.

سائحات که در قرآن به عنوان یکی از صفات کمالی برای زنان ذکر شده<sup>۱۷</sup> به معنای زنان مهاجر است. علامه طباطبایی می‌گوید سائحات کسانی هستند که با گامهای خود از مسجدی به

۱۱- نمل / ۲۴-۴۴.

۱۲- آل عمران / ۳۳-۳۷ و ۴۲-۴۷، نساء / ۱۵۶، مریم /

۱۶-۳۴، انبیاء / ۹۱ و تحریم / ۱۲.

۱۳- ضحی / ۸.

۱۴- اعراف / ۲۳، حوا اولین زنی بود که فریب شیطان را خورد، اما به زودی متوجه شد و به سرعت با همسرش نامد شدند و صادقانه و خاشعانه توبه کردند. محلی که حوا به توبه پرداخت مروه نام گرفت. بنگرید به: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۶.

۱۵- تحریم / ۱۱.

۱۶- هود / ۷۱. برای کلمه قائمه در این آیه چند احتمال داده شده است؛ از جمله خدمتگزاری. بر این اساس معنی آیه چنین می‌شود؛ «هنگامی که فرستادگان ما برای بشارت نزد ابراهیم آمدند... چون دید دست آنان به گوسفند بریان دراز نمی‌شود... در حالی که همسر او در حال خدمتگزاری بود خندید...».

سیاق سه آیه که قسمتی از آنها ترجمه شد همین احتمال را تقویت می‌کند، چون سخن از مهمان‌نوازی از ضیوف با گوشت بریان شده و سخن از حاضر بودن همسر ابراهیم است (تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۳).

افزون بر اینکه در برخی روایات و تفاسیر تصریح شده که «وامرأته ساره قائمه تخدمهم» (الذکر المنثور). گذشته از این قرائن، نقلهای تاریخی گواهی می‌دهد ساره همواره در خدمتگزاری حضرت ابراهیم با اشتیاق حاضر بود. بنگرید به: قصص انبیاء در المیزان.

۱۷- تحریم / ۵.

مسجد دیگر و از معبدی به معبد دیگر هجرت نموده، با بدنهای خود در پی اطاعت و انجام دستورات پروردگار می‌روند.<sup>۱</sup> هاجر نمونه سائحات بود؛ زیرا به امر خداوند همراه ابراهیم از اورشلیم به مکه هجرت کرد و رنج دوری از وطن، خانه و شوهر خود را تحمل نمود و در جست‌وجوی آب بارها میان دو کوه صفا و مروه را پیمود.

۵- یوکابد مادر موسی از مسلمات و توکل‌کنندگان بر خدا بود:

﴿إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ \* أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي الْتَابُوتِ فَأَقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ...﴾<sup>۲</sup>

مادر حضرت موسی نمونه زنان مسلمان بود. او به امر پروردگار و با توکل بر او عزیزترین نعمت پروردگار، فرزندش را به دریا انداخت.

۶- صفورا دختر شعیب، همسر موسی نمونه حیا و حسن انتخاب بود:

﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ... يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾<sup>۳</sup>

دختر شعیب در هنگام دعوت از موسی به سوی پدرش نهایت حیا، و آزر را رعایت نمود و به رغم تهیدستی موسی ملاک‌گزینش را امین و توانا بودن می‌داند.

۷- الیزابت همسر زکریا از صالحات و خاشعات بود:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾<sup>۴</sup>

... و ما همسر زکریا را برایش صالح گردانیدیم، آنها در کارهای خیر سبقت می‌گرفتند و ما را با حالت بیم و امید دعا می‌کردند و همواره در برابر ما خاضع و خاشع بودند.

۸- حنه همسر عمران از متصدقات و صدقات و مخلصات بود:

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي...﴾<sup>۵</sup>

حنه همسر عمران، مادر مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ با اخلاص نذر نمود فرزندی را که در شکم دارد خدمتگزار بیت‌المقدس قرار دهد و به آنجا هدیه کند؛ پس چون فرزندش متولد شد صدق خود را با وفای به نذرش به اوج رساند.

۹- همسر ایوب نمونه صبر و ایثارگری و خدمتگزاری پیامبر بود:

﴿وَإِنِّيَأَهُ أَهْلَهُ...﴾<sup>۶</sup> ﴿... وَوَهَبْنَا أَهْلَهُ...﴾<sup>۷</sup>

۱- تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶.

۲- طه / ۳۸-۳۹.

۳- قصص / ۲۵-۲۶.

۴- انبیاء / ۹۰.

۵- آل عمران / ۳۵.

۶- انبیاء / ۸۴.

۷- ص / ۴۳. بنگرید به: قصص انبیاء در المیزان، ص ۱۶۷.

همسر ایوب نمونه بزرگی از ایثار و فداکاری بود، از همین رو لیاقت یافت که خداوند در قرآن از او به کنایه به نیکی یاد کند؛ زیرا در هنگام گرفتاری حضرت ایوب و بیماری و تعفن بدن او همه حتی فرزندان از او دوری گزیدند و ترکش کردند و در حالی که ایوب به فقر و فاقه دچار بود و به دلیل بیماری جسمانی حتی کسی برای صدقه دادن نزد او نمی آمد، فقط همسرش ایثار نموده، در کنار او ماند و حتی با گدایی برای حضرت ایوب به مدت طولانی نان و غذا تهیه می نمود و دست از آن حضرت برنمی داشت. افزون بر اینها حاضر شد برای نشکستن سوگند حضرت ایوب بعد از بهبود و تمکن او، ضربه ضغث را تحمل کند:

﴿وَأَخَذَ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَأَضْرَبَ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا﴾<sup>۱</sup> و هرگز زبان به اعتراض نگشود که ای ایوب! بعد از آن همه صبوری و خدمتی که به پای تو ریختم آیا باید نسبت به من گمان بد ببری و عجولانه سوگند یاد کنی و هم اکنون نیز برای شکستن قسم تو، من باید ضغث را تحمل کنم؟!<sup>۲</sup>

۱۰ - بلقیس نمونه عقل، درایت و آینده نگری و حق گرایی بود:

﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ... قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup>

سیاق و دلالت این آیات به طور ضمنی روشن می کند که بلقیس زنی هوشمند، با درایت، عاقبت اندیش، اهل مشورت، و دارای روح

۱- ص ۴۴ /

۲- ابی الفداء در تاریخ قصص الانبیاء و قمی در تفسیر خود آورده اند که وقتی خداوند حضرت ایوب را شفا داد و اموال، باغ و مزرعه را به صورت ناگهانی به او بازگرداند، همسرش از راه رسید و چون صحنه را چنان دید گریست و به سجده افتاد و خدا را شکر نمود. چشمان ایوب در حین سجده وی به گیسوان بریده همسرش افتاد. ایوب قبل از اینکه علت بریده شدن گیسوان رحمت را از وی جویا شود گمان بد برد و سوگند یاد کرد که صد تازیانه به او بزند، اما چون علت را پرسید، فهمید که ماجرا چنین بوده که همسرش نزد مردم برای گدایی می رفت تا صدقه ای بگیرد و برای ایوب طعامی تهیه کند. روزی چیزی به وی صدقه ندادند و چون گیسوان زیبایی داشت به او گفتند، ما به تو طعام می دهیم به شرطی که تو گیسوانت را به ما بفروشی. رحمت از روی اضطرار و ناچاری و به منظور اینکه همسرش ایوب گرسنه نماند گیسوان خود را فروخت. ایوب چون به اشتباه خود پی برد غمگین شد، از یک طرف سوگند یاد کرده بود و از طرف دیگر به گمان نادرست دچار شده بود. پس خداوند به وی وحی کرد، برای اینکه حنث قسم نکرده باشی و از سوگند خود رهایی یابی ۱۰۰ شلاق را روی هم بگذار (ضغث) و یکبار بر همسرت (رحمت) بزن. بنگرید به: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۴۱-۲۳۹؛ قصص الانبیاء، ج ۱، ص ۳۷۴.

۳- نمل / ۴۳-۲۳.



حق‌گرایی بوده است؛ زیرا پس از مشاهده دلایل درستی نبوت حضرت سلیمان بلافاصله به خداوند ایمان آورده، مسلمان می‌شود و از کفر خود نادم شده، آن را ظلم به خویش (ظلمت نفسی) معرفی می‌کند. هوش و درایت او از آنجا آشکار می‌شود که وقتی نامه سلیمان به دستش می‌رسد با تعمق در آن، از نامه به وصف کریم یاد کرده، بلافاصله اظهار نظر نمی‌کند، بلکه نخبگان کشوری و لشکری را گرد آورده، با آنان به مشورت می‌نشیند. نخبگان لشکری راه مقابله با قدرت را پیشنهاد می‌کنند، اما با این حال تصمیم‌گیری نهایی را برعهده خود بلقیس می‌گذارند که خود نشان از مقبولیت حزم و عقل او در میان نخبگان دارد. بلقیس بر اساس شناخت و درایت خود تصمیم به تحقیق، تأمل و مذاکره می‌گیرد و چون حق برایش آشکار می‌گردد بلافاصله تسلیم حق می‌شود.<sup>۱</sup> افزون بر این، علامه طباطبایی معتقد است عبارت «أُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» بر اساس قرائن در آیه شریفه بیان می‌دارد که از جمله چیزهایی که به بلقیس داده شده بود دوراندیشی، عقل، درایت، حزم، عزم و سطوت بود.<sup>۲</sup>

۱- خدیجه نمونه ایثار و احسان بود:

﴿... وَ وَجَدَكَ عَائِلًا...﴾<sup>۳</sup>

مفسران آیه را اشاره به حضرت خدیجه(س) دانسته‌اند؛ زیرا کلمه عائل را به معنای فقیر گرفته

و گفته‌اند پیامبر اکرم ﷺ بعد از آنکه مالی نداشت خداوند او را به وسیله حضرت خدیجه(س) که اموالش را پس از ازدواج به پیامبر بخشید، ثروتمند نمود.<sup>۴</sup> افزون بر این، روایاتی نقل شده که این نظر را تأیید می‌کند.<sup>۵</sup>

### تجلی کمال یازده زن

#### الهی - قرآنی در فاطمه(س)

قرآن از فاطمه زهرا(س) نیز در موارد متعددی به کنایه یاد کرده، وی را نمونه وفا کنندگان به عهد، صائمات، متصدقات، صابرات و ذاکرات<sup>۶</sup> معرفی می‌کند. با عنایت به آیات قرآنی که در شأن آن بانو نازل شده و روایات بسیاری که درباره آن حضرت رسیده است، فاطمه(س) نمونه برجسته صفاتی چون تائبه، مؤمنه، صالحه، خاشعه، قائمه، سائحه، مسلمه، متصدقه، صادقه، مخلصه، صابره، عقل، درایت، حزم، حیا، ایثار، احسان، رحمت، حسن

۱ - بنگرید به: ابی الفداء، قصص الانبیاء، ج ۲، ص ۲۷۳؛

سید نعمت الله جزائری، قصص الانبیاء، ص ۵۳۴.

۲ - المیزان، ج ۱۵، ص ۳۵۵.

۳ - ضحیٰ / ۸.

۴ - المیزان، ج ۳۰، ص ۳۱۱.

۵ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن،

ج ۴، ص ۴۷۳.

۶ - سوره دهر و نساء / ۴۱ و بنگرید به: البرهان فی تفسیر

القرآن، ج ۳، ص ۳۲۷.

انتخاب، مشتاق خدا و خادم پیامبر می‌باشد.<sup>۱</sup> این صفات، همان ویژگیهایی است که قرآن برای زنان پاک و مقدس اثبات نمود و این همانندی در صفات به معنای تجلی خوبی آن زنان در فاطمه زهرا علیها السلام به نحو اتم و کامل است.

### تجلی کامل تر تقدس مریم علیها السلام در فاطمه علیها السلام

مریم، مادر حضرت عیسی زن پاکی است که قرآن بیشتر از سایر زنان به نیکی از او یاد نموده است. خداوند ۳۴ بار به صراحت نام وی را در قرآن آورده و ویژگیهای متعالی آن بانو را مستقیم یا غیر مستقیم یادآور شده است؛ مانند، رویش نیکو (و انبتها نباتاً حسناً)، صاحب محراب (کلما دخل علیها الزکریا المحراب)، قلب پر از ایمان و دارای کمال علم (صدقت بکلمات ربها و کتبه، عصمت، تطهیر و برگزیده خدا (و اذ قالت الملائكة یا مریم إن الله اصطفاک و طهرک)، پاکدامنی و عفت، مادر فرزندی پاک (مریم ابنة عمران التي احصنت فرجها فنمخنا فیه من روحنا)، واسطه الحاق نسل به انبیاء، برگزیدگی و برتری بر زنان (إن الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین)، محدثه بودن و نزول ملائکه بر او (اذ قالت الملائكة یا مریم إن الله یشرک بغلام...) و کرامت و دریافت غذای بهشتی، مشتاق بهشت و اشتیاق بهشت به او. قرآن به صراحت او را صدیقه (و امه صدیقه) و

از قائنات معرفی می‌کند:

﴿وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِبِينَ﴾<sup>۲</sup>.

... و مریم کلمات پروردگار خویش و کتب آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و او از قانتین بود.

قانت از ماده قنوت به معنای مداومت بر طاعت همراه با خضوع است<sup>۳</sup> و از نظر مرحوم طبرسی به معنای نماز، طاعت، طول رکوع، قیام، دعا و سکوت است.

در کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز صفات دیگری درباره حضرت مریم ذکر شده است؛ مانند نیل به آخرین درجه کمال، پاکی از خون زنانه و...<sup>۴</sup> در مقاله «جایگاه فاطمه علیها السلام و

۱ - بنگرید به: سید شرف الدین، کلمه الغراء؛ توفیق ابو علم، فاطمه زهرا؛ شوشتری، احقاق الحق؛ شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا؛ علامه قزوینی، فاطمه از ولادت تا شهادت؛ ابراهیم امینی، فاطمه زهرا؛ رسولی محلاتی، فاطمه زهرا؛ فاضل میلانی، فاطمة الزهراء أم ایها؛ بحار الأنوار، ج ۴۳؛ خوارزمی، مناقب؛ دیلمی، ارشاد القلوب؛ شبلینجی، نور الابصار؛ محب طبری، ذخایر العقبی؛ ریاحین الشریعه؛ ینابیع الموده؛ مجله مشکوة، «جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام در آیات و روایات»، شماره ۸۱، زمستان ۸۲.

۲ - تحریم / ۱۲.

۳ - مفردات راغب، ص ۴۲۸.

۴ - توفیق ابو علم، فاطمه زهرا؛ خوارزمی، مناقب؛

مریم در آیات و روایات» به تفصیل چهل ویژگی برای آن بانو ذکر شده است<sup>۱</sup>؛ لذا در اینجا از تفصیل بیشتر خودداری می‌شود.

نگارنده در آنجا ضمن مقایسه میان آن حضرت علیها السلام و مریم علیها السلام نشان داد که چهل ویژگی حضرت مریم در وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام به طریق اولی ظهور داشت و آن بانو نمایاننده و تجلی‌گر حضرت مریم علیها السلام در زمان خود بود.<sup>۲</sup>

با این حال، در اینجا اشاره به برخی آیات که به کنایه از آن حضرت علیها السلام یاد می‌کند و صفات بارزی از ایشان را بیان می‌نماید خالی از لطف نمی‌باشد:

۱- فاطمه علیها السلام؛ نمونه کامل صائمت و صدقات:

﴿... يُوْفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطَبًّا﴾<sup>۳</sup>.

ائمه اطهار علیهم السلام<sup>۴</sup> و تمام مفسران شیعه<sup>۵</sup> و بیشتر مفسران اهل سنت<sup>۶</sup> این آیات سوره دهر را در مورد نذری می‌دانند که علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای شفای حسن و حسین علیهم السلام کردند، و پس از بهبود آنان به نذر خود وفا کرده، سه روز را روزه گرفتند و افطاری خود را به مسکین، یتیم و اسیر دادند و خود با آب افطار کردند.

۲- فاطمه؛ نمونه کامل متصدقات، مخلصات و مشتاقان به خدا:

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا<sup>۷</sup>.

۳- فاطمه؛ نمونه کامل صابرات:

﴿وَجَزَيْتُهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾<sup>۸</sup>.

۴- فاطمه، نمونه کامل ذاکرات، قانتات و

→ شوشتری، احقاق الحق؛ دیلمی، ارشاد القلوب؛ شبلنجی، نور الابصار؛ شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام؛ محب طبری، ذخایر العقبی؛ علامه قزوینی، فاطمة من المهد الى اللحد؛ مجلسی، بحار الأنوار، جلد ۴۳؛ ریاحین، الشریعه و ینایع الموده. ۱- بنگرید به: سلمانپور، «جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام در آیات و روایات»، مشکوة، شماره ۸۱ زمستان ۸۲.

۲- همان.

۳- انسان / ۷.

۴- بنگرید به: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۲.

۵- بنگرید به: المیزان، ج ۲۰، ص ۱۳۲؛ تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۸؛ دکتر تقی پور، اهل بیت در قرآن.

۶- بنگرید به: تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۶۹۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۸، ص ۳۶۵؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۳۹۳؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۵۸؛ تفسیر فخر رازی، ج ۳۰، ص ۲۴۰؛ واحدی، اسباب النزول، ص ۲۹۶؛ سلیمان حنفی، ینایع الموده، ج ۱، ص ۲۷۹؛ طبری، الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۸۰ و ۲۰۸؛ مقریزی، امتاع الاسماع، ص ۵۰۲.

۷- انسان / ۸- ۹.

۸- انسان / ۱۲.

خاشعات:

﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾<sup>۱</sup>.

## گزیده سخن

آنچه گذشت، به خوبی علت و راز اینکه قرآن در آیه مباهله از فاطمه زهرا ع به «نسانا» تعبیر نموده و در حالی که یک زن بیشتر بود ایشان را زنان منسوب به پیامبر می نامد نشان می دهد. علت و راز این تعبیر، آن است که حضرت فاطمه مظهر تجلی خوبیها و شخصیت الهی زنان قرآنی چون حوا، آسیه، یوکابد، سارا، هاجر، رحمت، حنه، الیزابت، مریم، بلقیس، صفورا، و خدیجه بود و تقدس همه آنها در ایشان جمع بود. این زنان گویا دارای روحی واحدند که در فاطمه پیامبر ص متجلی شده است، لذا تمام آنها منسوب به پیامبرند؛ زیرا فاطمه ع منسوب به اوست. از همین رو قرآن از زبان پیامبر از فاطمه ع به «زنان ما» تعبیر نمود.

## منابع و مأخذ

- ۱- آلوسی بغدادی، محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲- ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند، مصر، دار المعارف، ۱۳۶۸ق.
- ۳- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل. قصص الانبیاء، بیروت، دار

احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.

۴- امینی، ابراهیم. فاطمه زهرا بانوی نمونه اسلام، قم، شفق. بحرانی، هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۶- برازش، علی رضا. المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۸ق.

۷- بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین. السنن، بیروت، دارالفکر.

۸- ترمذی، ابو عیسی محمد. سنن ترمذی، استانبول، ۱۹۸۱م.

۹- توفیق، ابو علم. فاطمه زهرا ع، ترجمه علی اکبر صادقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.

۱۰- جزایری، نعمت الله. قصص الانبیاء، ترجمه یوسف عزیز، تهران، انتشارات هاد، ۱۳۷۷ش.

۱۱- حافظ ابوالمؤید الموفق بن احمد. المناقب للخوارزمی، نجف، حیدریه، ۱۳۸۵ق.

۱۲- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۱۳- حسینی مرعشی شوشتری، نورالله. احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.

۱۴- حسنی (سبیتی) عبدالله. المباهله، تهران، مکتبه النجاح، ۱۴۰۲ق.

۱۵- دیلمی، محمد حسن بن محمد. ارشاد القلوب، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۵ق.

۱۶- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. سیر أعلام النبلاء، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۰ق.

۱- انسان / ۱۰.

- ۱۷- رازی، فخر الدین. التفسیر الكبير، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۸- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین. المفردات فی ترتیب القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
- ۱۹- رسولی محلاتی، هاشم. فاطمه زهرا، قم، علمیه اسلامیة، ۱۳۵۷ش.
- ۲۰- زمخشری، جارالله. تفسیر الکشاف، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۷ق.
- ۲۱- سلمانپور، محمد جواد. «جایگاه فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام در آیات و روایات»، مشکوة، شماره ۸۱، زمستان ۸۲.
- ۲۲- سیوطی، جلال الدین. الدرّ المنثور فی تفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر.
- ۲۳- شرفاوی، عبدالرحمن. علی امام المتقین، مصر، مكتبة قریب.
- ۲۴- شبلنجی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، مصر، ۱۳۸۴ق.
- ۲۵- شهیدی، جعفر. زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- ۲۶- طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ق.
- ۲۷- طبرسی، ابی علی. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، مكتبة العلمیة الاسلامیة، پنج جلدی.
- ۲۸- فعال عراقی، حسین. داستانهای قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، تهران، سبحان، ۱۳۷۸ش.
- ۲۹- فیض کاشانی، محسن. تفسیر الصافی، مشهد، دارالمرتضی للنشر، پنج جلدی.
- ۳۰- قرطبی، محمد بن احمد. تفسیر الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۷ق.
- ۳۱- قزوینی، محمد کاظم. فاطمه از ولادت تا شهادت (فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد)، ترجمه حسین فریدونی، آفاق، ۱۴۰۴ق.
- ۳۲- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم. ینایع الموده، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ق.
- ۳۳- مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ۳۴- محمد فواد، عبدالباقی. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، مطبعة دارالکتب المصریة، ۱۳۶۴ق.
- ۳۵- محلاتی، ذبیح الله. ریاحین الشریعة، تهران، دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
- ۳۶- مسلم، ابی الحسین بن مسلم قشیری. صحیح، بیروت، دارالفکر.
- ۳۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
- ۳۸- میلانی، (الحسینی)، فاضل. فاطمة الزهراء ام ابیها، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۸ق.
- ۳۹- نراقی، ملا مهدی. شهاب ثاقب، بی جا، بی تا، ۱۳۸۰.
- ۴۰- نقی پور، ولی الله. بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن به روش قرآن به قرآن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۰ش.

①